

# بررسی اجمالی فرقه ذکریه

محمد اسعدی<sup>۱</sup>

## چکیده:

آنچه پیش روی دارید تلاشی محققانه برای معرفی «فرقه ذکریه» است. علت نامگذاری این فرقه به ذکریه، مروری تاریخی بر چگونگی ظهور آن و شکل گیری فرقه ذکریه، تعامل فرق و مذاهب اسلامی با پیروان این فرقه پیش از استقلال پاکستان و پس از آن، اعمال و مناسک دینی آن ها از جمله مسایلی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

**کلیدواژگان:** فرقه، فرقه ذکریه، پاکستان، قوم بلوچ، بلوچستان،

عقاید ذکریه، کوه مراد.

---

<sup>۱</sup> محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی بین المللی

## مقدمه:

درباره این فرقه نه تنها چندان اطلاعات صحیحی در جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، بلکه در بین مردم پاکستان و حتی مردم بلوچستان که حداقل ششصد هزار نفر از آن‌ها پیروان این فرقه را تشکیل می‌دهند نیز اطلاعات دقیقی موجود نیست. برخی از دلایلی که موجب گمنام ماندن این فرقه شده عبارت است از:

- ۱- نداشتن منابع عمیق مکتوب و مدارک مستدل و منطقی
- ۲- نداشتن عالمان بارز و توانا
- ۳- سرّی بودن تعلیمات و اصل انتقال سینه به سینه آن‌ها
- ۴- شرایط جغرافیایی طبیعی و انسانی بلوچستان
- ۵- وجود حریفان و مخالفان قوی
- ۶- اختلافات عمیق بین طوایف بلوچ
- ۷- محدود شدن آن به قوم بلوچ

نتیجه این گمنامی انتشار شایعات فراوانی علیه «ذکری‌ها» بوده است، به گونه‌ای که هر فردی در ابتداء برخورد، تحت تأثیر مخالفین قرار گرفته و از پیروان این فرقه، احساس نفرت می‌کند. اتهامات توسط مخالفین به گونه‌ای طراحی شده که کفر و فساد قطعی آنها را ثابت نماید. به عنوان مثال: قائل بودن به اباحه عامه و حلال بودن تمتع از هر زنی بدون توجه به نوع نسبت محرمیت، از اتهاماتی است که هر شنونده‌ای را شگفت زده می‌کند. مخالفین برای اثبات ادعای خود به شعری منسوب به یکی از بزرگان ذکریه تمسک جستند که می‌گوید:

حلالند حوران سیمین بدن      چه مادرچه خواهر چه دختر چه زن<sup>۱</sup>  
در حالیکه اگر کسی نسبت به فرهنگ و اخلاقیات قوم بلوچ، شناخت  
اجمالی داشته باشد این اتهام را قبول نخواهد کرد.

و نکته آخر این که: سعی نویسنده بر مستندنگاری و بی طرفی بوده، اما تا چه میزان بر این نگاه وفادار مانده به منابع موجود و در دسترس، بستگی داشته

<sup>۱</sup> ذکری دین کی حقیقت ص ۱۱

است. امیدوارم خوانندگان گرامی ضمن چشم پوشی از نقایص فراوان این کار که به خاطر موانع طبیعی تحقیق در این موضوع بوده نگارنده را از نظرات ارزشمند خود مطلع فرمایند.

### الف) دلیل نام گذاری فرقه به «ذکریه»:

دلیل نام گذاری این فرقه به «ذکریه»، نسخ نماز و جایگزین شدن «ذکر» به جای نماز می‌باشد.<sup>۱</sup> لذا آنان خود را «ذکری» و دیگر مسلمانان را «نمازی» می‌خوانند. اگرچه امروزه این فرقه به نام «ذکری» معروف است، لکن در گذشته دور، آن را به نام «داهی» (داعی) می‌شناختند. اصطلاح «داعی» مربوط به باطنی‌ها است و از همین جا ارتباط ریشه‌ای «ذکری‌ها» و باطنی‌ها معلوم می‌شود. شاید نام گذاری آن‌ها به نام «داعی»، از عنوان رهبرشان که بدین نام خوانده می‌شود اقتباس شده باشد. به عنوان نمونه؛ در مراسم «چوگان» یکی می‌گوید: «جیبوا داعی الله» و همراهان می‌گویند: «لبیک داعی الله». در تعریف "کوه مراد" که محل برگزاری حج «ذکری‌ها»ست شعر ذیل بسیار مشهور است:

داعی در آنجا اقامت نمود  
سجود<sup>۲</sup> قدم در قیام و سرش در

شیخ محمد قصر قندی که در قرن یازدهم هجری می‌زیسته، در معرفی «ذکری‌ها» چنین می‌گوید:

آن گروهی را که بر الطاف سبحانی شفیق  
پیروی کردند امر داعی الله را به جان  
چون بلاغ حضرت داعی به خلقان شد تمام  
ظاهر آمد دو علامت سوی شرق از آسمان<sup>۳</sup>

### ب - رهبر فرقه ذکریه:

بنیانگذار این فرقه ملا محمد مهدی اتکی است. از آنجا که ذکریه‌ها وی را «نور» تصور می‌کنند برای وی تاریخ ولادت و وفات قائل نیستند، بلکه به جای

<sup>۱</sup> ذکریه مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۸

<sup>۲</sup> همان منبع، ص ۹

<sup>۳</sup> نسخه خطی شیخ محمد قصر قندی، ص ۱۵

ولادت از کلمه ظهور استفاده می‌کنند و تاریخ ظهور وی را سال ۹۷۷ هجری قمری می‌دانند.<sup>۱</sup>

در «سفرنامه مهدی» که توسط یکی از نزدیکان ملا محمد نوشته شده و جزء معتبرترین کتاب‌های «ذکری‌ها» به حساب می‌آید، درباره محل ظهور وی چنین آمده است: «محل ظهور من «اتک هند» بود.<sup>۲</sup>

در کتاب «ذکری کیست؟» آمده است: «ایشان در سال ۹۷۷ هجری قمری در شب دوشنبه به وقت صبح، به صورت یک انسان بزرگ و با لباس ژولیده، از آسمان بر یکی از کوه‌های بلند فرود آمد.»

علاوه بر این در مراسم «چوگان» این شعار معروف است:

یا حبیب احدی نور چراغ همگی

طوطی عرش بقا مهدی پاک اتکی<sup>۳</sup>

آقای م. عومرانی درباره ظهور و غیبت ملا محمد می‌گوید: «ظهور مهدی در سال ۹۷۷ هجری قمری و غیبت وی در سال ۱۰۲۹ بوده است».<sup>۴</sup>

شیخ قصر قندی می‌گوید:

چون بشد از سال احمد نهصد و هفتاد و هفت

ذات پاک او قدم بنهاد در هندوستان

چون هزار و بیست و نه سال از پس احمد رسید

آن گهر پنهان بشد درگاه‌های لامکان<sup>۵</sup>

وی به همراه این شعر روایتی نیز از حضرت رسول (ص) به شرح ذیل نقل می‌کند: «قال ابوبکر (رض) یا رسول الله (ص) مسئلتی منک ان متی کان خروج المهدی؟

قال رسول الله (ص): قد جاء بعد مماتی من بلاد هند فی سنه سبع و سبعین و

<sup>۱</sup> ذکری مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۱۰

<sup>۲</sup> سفرنامه مهدی، عزیز لاری، ص ۷

<sup>۳</sup> ذکری مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۱۱

<sup>۴</sup> نور هدایت، ک. م. عومرانی، ص ۶۸

<sup>۵</sup> نسخه خطی شیخ محمد قصر قندی، ص ۱۲

تسعمأه، اسمہ کاسمی و اسم ابوه کاسم ابی»<sup>۱</sup>

ترجمه روایت فوق (که عربی آن دارای اغلاط فاحشی است) به شرح ذیل است:  
ابوبکر از حضرت رسول (ص) پرسید: چه زمانی مهدی خروج خواهد کرد؟  
حضرت می‌فرماید: در سال ۹۷۷ بعد از رحلت من، از کشور هند ظهور خواهد  
کرد. اسم او همانند اسم من و اسم پدر او همانند اسم پدر من می‌باشد.  
قبلا اشاره شد که «ذکری‌ها» ملا محمد را نور تصور می‌کنند و لذا برای  
وی تاریخ ولادت قائل نیستند. آنها معتقدند: وی در سال ۹۷۷ ه. ق در «اتک»  
بخش کیمپور ظهور نمود. پنجاه سال در بین مردم زندگی کرد که ۴۰ سال آنرا  
به سیاحت سپری کرد که نتیجه آن کتاب «سیر جهانی» شامل؛ سفرنامه وی  
موجود است و ده سال دیگر عمرش را در «کوه مراد» محل حج «ذکری‌ها»  
گذراند و پس از آن ناپدید شد. در کیفیت ناپدید شدنش چنین معروف است که:  
«نوری بود به عالم بالا رفت».

در این رابطه که آیا وی همچون دیگر انسان‌ها از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌  
های دنیا بهره‌جسته، در «مهدی‌نامه» چنین آمده: «اگر پرسند که حضرت  
مهدی در دنیا طعام و آب خورده یا نه؟ جواب بکن از طعام و آب دنیا هیچ  
نخورده است. تا وقت ظاهر شدن و فرو رفتن یک من شیر از جوی جنت و ده‌من  
طعام از طعام و میوه جنت خورده و بر طعام و آب دنیا نظر مبارک خود را هرگز  
نیانداخته است.»<sup>۲</sup>

خود ملا محمد نیز در سخنی که در «سفرنامه مهدی» آمده است  
می‌گوید: «قال المهدی علیه السلام: همه کائنات را خداوند از نور من بوجود  
آورد». در اینجا ذکر این نکته لازم است که شیخ عزیز لاری کتاب سفرنامه  
مهدی را برای اهل معرفت از ذکریون نگاشته و هنوز هم در انحصار اهل عرفان و  
خصیصین از ذکری‌ها می‌باشد.

شیخ محمد قصر قندی می‌گوید: «حق تعالی گفت: ای موسی! در تورات  
گفته‌ایم: «من کل الانبیاء خیر مهدی» یعنی از همه پیغمبران بهتر است مهدی.

<sup>۱</sup> همان نسخه، ص ۱۳

<sup>۲</sup> سفرنامه مهدی، عزیز لاری، ص ۳

و ای موسی! اگر مهدی نبود عرش و کرسی و لوح و قلم و بهشت و دوزخ و آفتاب و ماهتاب، هر که در عالم هست نیافریدم. اگر بر مهدی اقرار نیاوردی تو را در آتش دوزخ بسوزانم. ای موسی! مهدی حبیب و توکلیم، یعنی حبیب افضل‌تر است از کلیم. در تورات گفته‌ایم: «المهدی نور منی»، موسی گفت: یا رب! مهدی از چه آفریده شده است؟ حق تعالی گفت: از خود آفریده‌ام.

موسی گفت: یا رب! مهدی را چگونه اول آفریدی و آخر روانه می‌کنی؟ حق تعالی گفت: نور اولین و آخرین نام او شد ... موسی گفت: بعد از مهدی دیگر رسول پیدا کنی یا نه؟ حق تعالی گفت: ای موسی! بعد از مهدی پیغمبری دیگر نیافریدم، نور اولین و آخرین همین است که پیدا خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

در کتاب «معراج نامه» که یکی از کتب مهم ذکری‌ها می‌باشد و معمولاً هر ملائی نسخه‌ای از آنرا دارد چنین آمده است:

«روزی در خاطر او یعنی محمد (ص) گذشت که نور اولین و آخرین و رسول رب العالمین منم و بعد از من دیگر پیغمبر در دنیا پیدا نخواهد بود. و چون شب هشتم و یوم آدینه بود که از مسجد حجره بیرون آمد و در آن مسجد الحرام رفت و در طاعت باری تعالی شروع شد. «مهرت جبریل گفت: یا محمد! فرمان الهی است که ترا بسوی سماوات خواهم برد تا بعرش الله عظیم. از سبب آنکه آن روز با یاران خود در میان مسجد یک سخن بزرگ بیان کرده بودی و خود را نور اول و آخر خواندی، باز بیرون بیایید به درگاه من و آن نور برگزیده را که دوست درگاه من است او را ببینید و مشاهده کنید و شرف و بزرگی او را ببینید و خود را بدانید و بار دیگر نور اول و آخر نخوانید و بدانید که نور اول و آخرین محبوب رب العالمین آخر زمان آنست. و باز نور محمد با او گفت: تو احمدی یا محمد؟»

گفت: من احمدم نه محمد. و نور مهدی و خاتم نبی توئی. و پس نور مهدی گفت: «یا نبی الله! حق تعالی با قطره عرق از پیشانی من چکانید و نور جمال از روح پاک تو آفریده کرد و چون رسول الله گفت: یا نور مهدی مرا از نام شریف خود یک

<sup>۱</sup> موسی‌نامه، شیخ محمد قصر قندی، ص ۱۰۱-۹۹

بدهید تا در هر دو جهان باشم...»<sup>۱</sup>

علاوه بر مطالب فوق اشعاری نیز درباره ملا محمد اتکی موجود است که به عنوان نمونه یکی از سروده های شیخ محمد ذرافشان تقدیم می‌گردد:

رسولی که مر جمله را سرور است	امین خدا تاج پیغمبر است
رسول خدا خواجه هرچه هست	ز بهر وی این جمله را نقش بست
نبودی اگر نور تو آشکار	عیان کی بدی خلق هژده هزار
تویی خاتم جمله پیغمبران	تویی تاجدار همه سروران
همه انبیا را به تو افتخار	تویی بنده خاص پروردگار
شرف یافته کون از نام تو	ندانند کس آغاز و انجام تو
ترا دانم ای نور هر دو سرا	علو مرتبت در حریم خدا
کنی در حریم محبت قبول	همین چشم دارم ز تو یا رسول <sup>۲</sup>

### ج - پیشینه:

بلوچستان که در قدیم به آن «مکران» می‌گفتند و شامل مکران کنونی و شهرهایی از ایران مانند چابهار، سرباز و... می‌شد تا قبل از ورود اسلام در عهد خلیفه دوم، مردم این منطقه تحت تأثیر دین رسمی و حاکم بر ایران مجوسی بودند. پس از فتح این منطقه در سال ۲۳ هجری و گسترش دامنه نفوذ اسلام در عهد حضرت علی (ع) این منطقه تحت سیطره حکومت اسلامی درآمد، اما بدلیل شرایط ویژه جغرافیای طبیعی و انسانی، هرگز مردم امکان رشد فرهنگی و علمی نیافتند و لذا با توجه به شرایط خاص خود، همیشه زمینه برای فتنه جویان و سرکشان و متمردان از حکومت مرکزی فراهم بود.

در اوایل حکومت عباسیون، اگرچه امنیت نسبی بر مردم حاکم بود و کمتر شور و شری از طرف مخالفین وجود داشت، اما چندی نگذشت که خوارج و باطنی ها که با حکومت مرکزی درگیر بودند به سوی مناطق دوردست، از جمله «مکران» روی نهادند. و بدینگونه خوارج در مناطق مرکزی و ساحلی مکران

<sup>۱</sup> معراج نامه، ملا کمالان، ص ۲۳-۲۱

<sup>۲</sup> ثنای مهدی، شیخ محمد ذرافشان، ص ۱۷

ذکری مذهب کی عقاید و اعمال، مفتی احتشام الحق آسیا آبادی، ص ۲۴

حکومت را در دست گرفتند که اولین حاکم آنها؛ معدان ابن عیسی در سال ۳۴۰ ه. ق به قدرت رسید و حکومت خاندان معدان، تا ۱۲۷ سال ادامه یافت و آخرین حاکم آنها حسین بن معدان بود. آثار حکومت خوارج در مکران هنوز هم موجود است و روشن ترین آن، نام شهر «تربت» است که به نام آخرین بازمانده این گروه نهاده شده یعنی «تربت خلف ابن عمر» و اکنون به نام «تربت» خوانده می‌شود. از طرف دیگر باطنی‌ها در مناطق شمالی و غربی مکران که اکنون جزء جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید مشغول فعالیت بودند که در نتیجه عده زیادی از مردم به مذهب اسماعیلی گرویده بودند.

این وضع همچنان ادامه داشت و عباسی‌ها نیز قدرت کنترل مناطق دوردستی چون مکران را نداشتند تا آنکه فتنه‌ها گسترش یافت و تاتارها بر حکومت بغداد حمله‌ور شدند و در سال ۶۵۶ ه. ق سقوط کرد. در نتیجه تهاجم تاتارها مکران ویران شد و بعد از آن حکومت مکران دست بدست می‌گشت. مدتی در زیر سیطره خاندان «هوت» بود و پس از آن در اختیار خاندان ملک و در سال ۱۰۳۵ هجری قمری به خاندان «بلیدی» که از نژاد عرب و منتسب به ابو سعیدی‌های مسقط بودند منتقل شد. حکومت آن‌ها تا سال ۱۱۳۵ هجری قمری ادامه داشت. پس از سقوط «بلیدی‌ها» خاندان «کچکی» که هندی الاصل و هندو مذهب بودند حکومت را در دست گرفتند.

در این فتنه و آشوب و بی‌ثباتی که به لحاظ سیاسی و مذهبی دامنگیر مکران شده بود «ملا محمد اتکی» از پنجاب به افغانستان و از آنجا به مکران آمد و با طرح ادعای مهدویت و سپس نبوت، مردم را به پیروی از خود دعوت کرد و مردم نیز به او گرویدند. (گفته می‌شود یکی از دلایل ایمان آوردن سریع مردم به وی، تشیع آنها بوده است. از طرفی شیعیان آگاهی نبوده‌اند که بتوانند تشخیص مهدی واقعی را بدهند لذا با طرح دعوی مهدویت مردم سریعا به وی ایمان آوردند.) ملا محمد با عده‌ای از روحانیون اسماعیلی مذهب (داعیان) که از ترس حکومت ایران به مکران پناه برده بودند ملاقات‌هایی نمود و با توجه به زمینه‌های ذهنی که داشت، نظرات آنها را پسندید و با افکار خویش معجونی جدید به وجود آورد. وی پس از آن دیدارها، تبلیغات خویش را از "بمپور" آغاز کرد و از آنجا به



قصر قند، سربازو تربت سفر نمود و در هر منطقه، حکام محلی به او ایمان می‌آوردند و او را به سوی منطقه بعدی می‌فرستادند.

در کتاب «سیر جهانی» آمده است:

«بعد از آن الهام در رسید آن حضرت به طرف کیچ مکران زمین نزول اجلال فرمود روانه شد. بر باد نورانی سوار شد به تعجیل به اطراف کیچ آمد تا به موضع بمپور مدخل گردید ...

و آن نور پاک از این ولایت (بمپور) پای شد داخل قصر قند گردید. سالار قصر قند میر حسین امیر عبدالله بودند همراه چند نفر ایمان آوردند. و از قصر قند پای شد موضع سرباز آمد، حاکم سرباز شیخ بو سعید بلیدی با جمله ایمان آوردند ...

و آن حضرت بر باد سوار شد به تعجیل بطرف کیچ نزول شد داخل موضع کوراواران تا سه شب نشست ... حضرت نور پاک از اینجا پای شد مدخل کوه امام گردیده چند یوم در آن جا نشست. از آن موضع برخاست بر آستانه پرنور منزل آخرین این دنیا خاک تیره به مکان تربت اعلی سکونت گرفت.»<sup>۱</sup>

پس از گرویدن حکام بلیدی در «سرباز» ملکی ها در «کیچ» و کچکی ها در پنجگور به ملا محمد مهدی اتکی، مذهب ذکری حاکمیت مطلق العنانی در مکران بدست آورد که تقریباً تا صد سال ادامه داشت. در عهد ملک دینار با کشته شدن شیخ بلال یکی از حکام مسلمانان وقت، قدرت ذکری ها به اوج خویش رسید، خبر کشته شدن شیخ بلال و فتنه ذکریت به پادشاه عثمانی رسید، وی نادرشاه را مأمور سرکوبی آنان نمود که نتیجه آن جنگ خونین، شکست ذکری ها در شمال و غرب مکران بود و پس از آن عده‌ای از بلوچ ها به سوی اسلام تمایل پیدا کردند. این دوگانگی تا عهد خوانین کلات ادامه داشت.

در سال ۱۷۴۹ م نصیر خان اول، حکومت کلات را به دست گرفت. وی پس از صلح با احمدشاه ابدالی و حل مشکلات داخلی در سال ۱۷۷۴ م به مکران حمله کرد و ملک دینار را اسیر و سپس به قتل رساند و حکومت مکران را به پسرش شیخ عمر واگذار نمود، اما ذکری ها وی را به قتل رساندند و حکومت را

<sup>۱</sup> سیر جهانی، ملا محمد اعظم، ص ۶۸

به دست گرفتند. میر نصیر خان دوباره به آنان حمله کرد و شکست سختی به آنان داد و این بار با شدت و قاطعیت تمام با آنان برخورد نمود. برنامه‌های عبادی آن‌ها را ممنوع کرد، «کوه مراد» را بست و کتابخانه‌های آن‌ها را نابود کرد. خون و مال آنان را مباح و معامله با آنان را غیر شرعی اعلام نمود و لذا ذکری‌ها به کوه‌ها پناه بردند و در خفا زندگی خود را سپری می‌نمودند.

این وضع تا سال ۱۸۷۷ م ادامه داشت. پس از آن به خاطر تحولات سیاسی و گذشت زمان و سرد شدن احساسات مذهبی عصر میر نصیر خان نوری، ذکری‌ها از مخفی‌گاه‌های خود به شهرها و روستاها آمدند و زندگی معمولی خویش را آغاز کردند و بدلیل وحدت زبان و قومیت، نفرت‌های گذشته سریعاً تبدیل به دوستی گردید به گونه‌ای که مسلمانان و ذکری‌ها بدون هیچ حساسیتی نسبت به یکدیگر در کنار هم زندگی می‌کردند البته گفته شده که در رفع این تنفر و انزجار و دامن زدن به عصبیت قومی و زبانی، انگلیسی‌ها نقش زیادی را ایفا نمودند. اما علیرغم این صلح و آرامش که برای ذکری‌ها پیش آمده بود آنان از جهت فکری و ذهنی خود را بی‌پشتوانه می‌دیدند. نه پشتوانه مادی و سیاسی داشتند و نه پشتوانه فکری و فرهنگی، چرا که بخاطر پراکندگی آنها طی یک قرن و اختفای آنها نسل‌های دوران پراکندگی، بی‌فکر و فرهنگ عمیق، بار آمده بودند و از طرفی می‌دیدند که در جامعه مسلمان جایی ندارند شهادت آنها در دادگاه مردود است، ذبیحه آنها حرام است، حق ارث از مسلمانان ندارند و لذا خود را شکست خورده و بی‌پناه و سلاح احساس می‌کردند. بهمین دلیل هر ساله تعداد زیادی به دین اسلام گرویده و در برابر آن سر تعظیم فرود آورده‌اند. ذکری‌ها پس از آرامش یافتن همیشه ابزار دست قدرتهای خارجی و غیر اسلامی و یا احزاب غیر اسلامی بوده‌اند. در زمانی که انگلیسی‌ها بر بلوچستان حاکم بودند ذکری‌ها در خدمت آنان و وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه بین قوم بلوچ بودند هنگامی که انقلاب اکتبر روسیه بوقوع پیوست، کمونیستها با تشکیل «آکادمی علوم اجتماعی سند» در کراچی، تحقیقاتی درباره ایالات سند و بلوچستان نمودند که در حقیقت مقدمه‌ای برای نفوذ در بین اقلیتهای قومی و مذهبی تلقی می‌گردید و ذکری‌ها را بطور خاص مورد مطالعه قرار داده و سپس با تشکیل «حزب

کمونیسست سراسری هند» سعی در جذب ذکریها نمودند که البته تعدادی را هم بطرف خود جذب نمودند.

### ذکری ها پس از تشکیل پاکستان:

در سال ۱۹۴۷ م کشور پاکستان تشکیل شد. از آنجا که حکم غیر مسلمان بودن ذکری ها از گذشته دور صادر شده بود و آنان خود نیز تبلیغاتی در رابطه با مسلمانان بودن نداشتند مزاحمتی برای آنان از سوی حکومت پیش نیامد. این حالت تا سال ۱۹۷۰ م ادامه داشت در آن زمان حرکت های غیر اسلامی و قوم‌گرا و احیانا چپی و سوسیالیستی به طور فعال وارد صحنه شدند. در پاکستان غربی (پاکستان کنونی) احزاب مردم و ملی خلق، با شعارهای مردمی وارد کارزار شدند. یکی به چین وابسته بود و دیگری به روس! بهرحال هر کدام برای بدست آوردن حکومت و قدرت از هیچ تلاشی دریغ نداشتند و به هر ائتلافی تن می‌دادند، چه طرف مقابل مسلمان باشد یا غیر مسلمان! در انتخابات سال ۱۹۷۰ م حزب ملی خلق در ایالت بلوچستان پیروزی چشمگیری بدست آورد که نقش ذکری ها در آن بسیار روشن بود و لذا حزب مردم به رهبری ذوالفقار علی بوتو برای شکست دادن حزب رقیب، جذب ذکری ها را در دستور کار قرار داد و برای ائتلاف با آنان دست دوستی دراز کرد. نتیجه این جنگ سیاسی بین دو حزب فوق الذکر، تقسیم ذکری ها به دو مذهب مهدویت و ذکریت بود.

(مهدوی ها پیروان سید محمد جونیوری «۹۱۰ - ۸۴۷ هجری قمری» می‌باشند. وی در هند ادعای مهدویت نمود و به دلیل مخالفت حکام مسلمان هند، به افغانستان هجرت کرد و در سال ۹۱۰ هجری قمری در «فراه» افغانستان درگذشت.)

این جدایی در نتیجه تلاش های «حزب ملی خلق» بود که سعی در دور نگه داشتن ذکری ها از مهدوی ها می‌نمود. چرا که مهدوی ها طرفدار «بوتو» بودند و این به دلائل گوناگونی از جمله سندی بودن «بوتو» و «مهدویت» و نیز وجود زمینه‌های سوسیالیستی در این مذهب بود. به عنوان مثال: اگر کسی از پیروان مهدویت فوت کند اموال او به اولاد و یا خویشان درجه یک وی نمی‌رسد

بلکه وارث وی، انجمن مهدوی ها خواهد بود. لذا «بوتو» تلاش در یکی کردن دو مذهب داشت. در حالی که منافع حزب رقیب اقتضا می‌کرد که آنان به دور از یکدیگر بمانند. لکن پس از نفوذ «بوتو» در بین آنان فرقه ذکریه به دو شعبه «ذکری های مهدوی» و «ذکری های مسلمان» تقسیم شدند. و بدینگونه درگیری سیاسی - مذهبی جدیدی بین ذکری ها به وجود آمد. ذکری های مهدوی انجمنی تحت عنوان «انجمن ذکری های مهدوی» ایجاد نمودند که در مقابل، گروه دیگر نیز انجمنی با عنوان «انجمن ذکری های مسلمان» به وجود آورد.

آنان دست به تبلیغات و نشر کتب و مقالات زدند. در بین ذکری ها نماینده گروه ذکری های مهدوی ملا عیسی نوری و محمد ایوب شی‌زاده بوده و هستند، در حالی که نمایندگی گروه دوم را ملا مزار عومرانی، اسحاق درازئی و چند ملای دیگر نموده و می‌نمایند. علاوه بر «بوتو» که به خاطر منافع سیاسی خود تلاش هایی برای ایجاد وحدت بین این دو گروه انجام داد، از طرف بعضی از مخلصین بلوچ نیز تلاش هایی شد اما با توجه به اینکه در بین ذکری های مهدوی، افراد تحصیل کرده وجود دارد در حالی که در بین گروه دیگر چنین افرادی اصلا وجود ندارد و مذهب آن ها نیز چندان اصول و عقاید محکمی را دارا نیست، لذا ذکری ها از پذیرفتن اتحاد طفره رفتند. زیرا در صورت اتحاد، اولین مسئله؛ موضوع رهبری گروه جدید بود و به طور طبیعی رهبری از آن کسانی خواهد بود که تحصیل کرده و عالم باشند و آن هم مهدوی ها هستند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۷۴ م پس از تصویب غیر مسلمان بودن قادیانیها در مجلس ملی، تحریکاتی از طرف مسلمانان بلوچستان علیه ذکریها آغاز شد که اوج آن در ۱۹۷۸ م بود بگونه‌ای که ضیاءالحق، خود برای آرام کردن مسلمانان به تربت مسافرت نمود و پس از ملاقات با هیئتهایی از مسلمانان، به آنان قول داده شد که مسئله حل گردد لکن جز وعده نتیجه‌ای حاصل نشد. در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ م نیز تحریکات شدیدی علیه آنان به رهبری جمعیت علمای اسلام صورت گرفت که آنهم به جز چند ماهی ادامه نیافت و تمام تلاش این بوده که

<sup>۱</sup> ذکری مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۹۷-۹۳

آنرا غیر مسلمان قرار دهند. که در صورت تصویب، تأثیرات فراوانی در انتخابات بنفع احزاب اسلامی خواهد داشت. هم اکنون در قانون انتخابات، احزاب اسلامی قومی، ملی و سیاسی بطور مساوی می‌توانند در انتخابات شرکت و با یکدیگر ائتلاف نمایند، در حالیکه اقلیتها نمی‌توانند به فرد مسلمان رأی دهند و یا در ایام انتخابات ائتلاف نمایند گرچه پس از انتخابات و در مجلس می‌توانند برای تشکیل دولت ائتلاف کنند. تصویب غیر مسلم بودن ذکریها، این فایده را دارد که یکباره رأی گروههای قوم‌گرا و غیر اسلامی شکسته خواهد شد. و احزاب اسلامی تقویت خواهند گشت. البته مضاری هم دارد که مهمترین آنها، قدرت یافتن متعصبین اهل سنت و میدان یافتن آنان علیه اهل تشیع خواهد بود.<sup>۱</sup>

### جمعیت ذکری ها:

در باره جمعیت ذکری ها آمار دقیقی در دست نیست اما آنچه مخالفین آن ها می‌گویند، پیروان این فرقه حدود ۶۵۰ هزار نفر از قوم بلوچ هستند که اکثر آن ها در شهرهای تربت، سبی، گوادر، پنجگور، خضدار، گریشر، جاوه، مشکه، لاس بیله، ساکران، گدالی و کراچی سکونت دارند و عده‌ای نیز به طور پراکنده در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند. البته جمعیت آنان توسط خود ذکری ها، تا یک میلیون و دویست هزار نفر نیز گفته شده است.<sup>۲</sup>

### عقاید:

قبل از بیان عقاید ذکری ها لازم است نکاتی ذکر شود:

الف - ذکری ها اصطلاحات علمی فقهی و کلامی را که در فرق اسلامی وجود دارد استعمال نمی‌کنند بلکه از اصطلاحاتی مانند: «کافر»، «مؤمن»، «تاروا» و «بد» استفاده می‌کنند و به جای مذهب شریعت، مسلک و طریقت فقط کلمه «دین» یا «دین مهدی»، «امت» یا «امتی» استعمال می‌نمایند. البته پس از تحولات چند ساله اخیر و به خصوص پس از سال ۱۹۷۰ م کلمه «نهضت» نیز به آن ها اضافه شده است.

ب - عقاید ذکری ها چندان مدلل و علمی و منطقی نیست و لذا مشاهده

<sup>۱</sup> ذکری مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۱۰۶-۱۰۵

<sup>۲</sup> تحقیقات میدانی نویسنده

می‌شود که گاهی سند یک عقیده، روایت نادرست و یا خواب یک فرد می‌باشد که ما نیز آن را آنچنان که مشهور است برای اطلاع خوانندگان نقل نموده‌ایم.

ج - درباره عقاید این فرقه شایعات فراوانی وجود دارد که در اینجا آنچه را به صورت مکتوب یافته‌ایم و سندی بر صحت انتساب آن داشته‌ایم آورده‌ایم.

د - اکثر عقایدی که به ذکری ها نسبت داده شده، توسط آنان تکذیب گردیده، که ما در هر موضوع نظر خود ذکری ها را نیز آورده‌ایم.

### ۱- شهادتین:

تمام ذکری ها در این متفق هستند که شهادتین عبارتست از:

«لا اله الا الله نور پاک، نور محمد مهدی رسول الله»

همانطوری که ما شرط مسلمان بودن یک فرد را ادای شهادتین لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص) می‌دانیم. ذکری ها نیز آنرا شرط ذکری بودن می‌دانند.

### ۲- نماز:

ذکری ها مذهب خویش را ناسخ مذاهب و ادیان گذشته می‌دانند و لذا نماز را که یکی از ستون های دین مقدس اسلام ذکر شده منسوخ و به جای آن «ذکر» را انجام می‌دهند: در کتاب «سیر جهانی» آمده است:

«امت تو و پیروان تو در سه وقت لا اله الا الله بخوانند، به آواز بلند، وقت نیم روز، وقت شبان گاه، وقت بامگاه به آواز فصیح و بلیغ بخوانند، و ترک صلوا، نماز، روزه باشند، و شب در عبادت و روز در فکر ایمان باشند. هر که مؤمن آن رسمان سر گذشته باشند، منکر از پیغمبری تو باشند و اگر ذکر دین را باطل دانند که ذکر ذات خدای من است، آنکس کافر درگاه من باشد و از آتش دوزخ خلاصی نیابد» در کلامی از ملا محمد اتکی که در «فرمودات مهدی» از کتب معتبر حدیثی ذکریه است چنین آمده: «وقتی باشد که کافران و منکران و بد دینان بسیار باشند و دین مرا باطل شمارند که دین من دین حقیقت است و این نماز، روزه که دین شریعت احمدی است او را حق گویند.» در کتاب «اعتقاد نامه

مهدی» چنین آمده: «هرکس نماز جمعه و عیدین گذارد به شریعت محمد مهدی خطا و بد است» و در همان کتاب آمده: «هرکس نماز جمعه و عیدین میگذارد کافر است و نماز پنجگانه نارواست» در اینجا ذکر این نکته لازم است که ذکریها با این توجیه که: همانطور که نماز شامل قصد قربت، قیام، سجود و شستن و اذکار بهمراه طهارت می‌باشد «ذکر» آنها نیز شامل این بخشها بوده و هست و تبلیغات علیه خود را یک نوع عناد از سوی عده‌ای تلقی می‌نمایند. لکن واقعیت این است که ذکریها نماز را همانند فرق پنجگانه اسلامی بجا نمی‌آورند. عبادتگاههای خود را مسجد نمی‌گویند بلکه «ذکر خانه» می‌نامند و به «قبله» معتقد نیستند و لذا مساجد آنها محراب ندارد.

### ذکر:

همانطوری که متذکر گردید پیروان این فرقه به جای نماز ذکر را واجب می‌شمارند. شرایط، اقسام و شیوه انجام ذکر به شرح ذیل است:

**الف) شرایط:** بر هر مرد و زن عاقل و بالغ ذکری فرض و واجب است که ذکریهای واجب را بجا آورد و برای آن طهارت و پاک بودن لباس، بدن و مکان و داشتن وضو ضروری می‌باشد.

### ب) اقسام ذکر:

«ذکر»<sup>۱</sup> سه قسم است:

✓ **چهار تسبیحی:** بعد از طلوع آفتاب و وقت ظهر و عشاء خوانده می‌شود. در این قسم هر تسبیح ذکر، عبارت از ۹ یا ۱۳ یا ۱۵ بار گفتن لا اله الا الله و یک بار گفتن لا اله الا الله الملك الحق المبين نور پاک نور محمد رسول الله صادق الوعدا الامين، سپس دعاهایی که در قرآن با «ربنا» شروع می‌گردد خوانده می‌شود و در پایان یک تسبیح ذکر دیگر شامل دو دعا یا بیشتر خوانده می‌شود.

✓ **ذکر شش تسبیحی:** در وقت سحر و مغرب خوانده می‌شود در این ذکر علاوه

<sup>۱</sup> ذکر وحدت، سید عیسی نوری، ص ۳۲-۱۵

بر انجام اعمال و خواندن اورادی که در ذکر چهار تسییحی عرض شد فرد  
ذکری پس از پایان اوراد مذکوره یک قیام، یک رکوع و یک سجده و یک  
نشستن به همراه ازکار خاصه، انجام می‌دهد که تفصیل آن بشرح ذیل است:  
افراد ذکری با لباس طاهر و با وضو بصورت دائره می‌نشینند و این ذکر را بدینگونه

انجام می‌دهند:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ مَلَكَاتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْقَدْرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ

الْبَعَثِ بَعْدَ الْمَوْتِ

اللَّهُ الْهُنَا - مُحَمَّدٌ نَبِينَا - الْقُرْآنُ وَ الْمَهْدِيُّ أَمَانًا وَ صَدَقْنَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ

نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا

الضَّالِّينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بفرمود خدائی بزرگ و برتر: وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ

الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

تسییح اول: برای عبادت حق تعالی و دوستی نور پاک و برکت سبعا من

الْمَثَانِي نیت کردم ذکر شش تسییحی ذکر الله اکبر رو آوردم به خانه کعبه رب جلیل

أَفْضَلُ الذِّكْرِ پانزده بار می‌خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يك بار می‌خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ.



رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ رَبَّنَا آتِنَا فِي  
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أَمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.

تسبیح دوم: پانزده بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَكُ بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ - رَبَّنَا لَا  
تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا (البقره) رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى  
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا (البقره) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ  
أَمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تسبیح سوم: پانزده بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَكُ بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ رَبَّنَا وَلَا  
تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى  
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (البقره) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ  
أَمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تسبیح چهارم: پانزده بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَكُ بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ - رَبَّنَا إِنَّا  
سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا (ال عمران) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا  
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أَمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تسبیح پنجم: پانزده بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَكُ بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ - رَبَّنَا لَا تُزِغْ  
قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (ال عمران) رَبَّنَا  
آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أَمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تسبیح ششم: پانزده بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. یک بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُنِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و پانزده بار میخواند: حَسْبِيَ رَبِّيَ جَلَّ اللَّهُ مَا فِي قَلْبِي غَيْرُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ پانزده بار میخواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْيَكُ بَارِ مِي خَوَانِدْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ - رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (المومن) رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (نور) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

هر بند را سه بار تکرار می کند

لَا يَرْجُوا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ أَلَّا الْعُمَيَانُ

لَا يَظُنُّ بِالْجِبَاتِ أَلَّا الصَّبِيَانُ

لَا يَتَرَبَّصُّ الرَّجْعَى إِلَّا الْمَوْتَى

لَا يَتَخَيَّلُ السَّنَدَ إِلَّا الْمَرْضَى

لَا يَتَوَهَّمُ الْوَكَلَا إِلَّا الْخُسْرَى

لَا مُفْتَحُ الْأَبْوَابِ إِلَّا اللَّهُ

لَا مُسَبِّبُ الْأَسْبَابِ إِلَّا اللَّهُ

لَا مُقَطِّعُ الْأَسْبَابِ إِلَّا اللَّهُ

لَا مُنْقِذُ مِنَ الْبَلِيَّاتِ إِلَّا اللَّهُ

لَا فَاعِلٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا اللَّهُ

لَيْسَ النَّافِعَ وَلَا الضَّارَّ إِلَّا اللَّهُ

پانزده بار می خواند لا إله إلا الله یک بار می خواند:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ  
الْأَمِينُ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ  
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (الحشر)  
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا  
ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ذکر سبحان

هر بند را پانزده بار می خواند:

سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَجْرِي فِي مَلِكِهِ إِلَّا مَا يَشَاءُ  
سُبْحَانَ الَّذِي بَارَادَتِهِ يَتَكَوَّنُ الْأَشْيَاءُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يَصْطَفِي مِنْ بَنِي آدَمَ مَا يَخْتَارُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يَمْنَحُوا مِنَ الْبَاطِلِ مَا يَشَاءُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يُثَبِّتُ مِنَ الْمَدَاحِضِ مَا يَشَاءُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يَسْتَأْصِلُ مِنَ الْمَنَاسِكِ بِمَا يَخْتَارُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يَسْقِطُ مِنَ الْأَقْوَامِ مَنْ هُوَ مَشَادُ  
سُبْحَانَ الَّذِي يَهْدِمُ مِنَ الْأَدْيَانِ مَا مَلَأَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ  
سُبْحَانَ الَّذِي يُعْدِمُ مِنَ الْأُمَمِ مَا هُوَ فِي مَلِكِهِ مُتَارُ

پانزده بار می خوانیم لا إله إلا الله یک بار می خوانیم: لا إله إلا الله الْمَلِكُ الْحَقُّ

الْمُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ -

رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَ  
ذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ

وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (المؤمنون)

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا  
ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

هر بند سه بار تکرار شود:

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْهَادِيَ إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُنْجِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُغْنِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُفْنِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُخْبِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُعْطِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُصْطَفَى إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْمُجْتَبَى إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْقَاضِي إِلَّا هُوَ

اللَّهُ اللَّهُ لَيْسَ الْبَاقِي إِلَّا هُوَ

پانزده بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَكُ بار می خواند: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

الْمُبِينُ نُورِ پاك نور مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ -

رَبَّنَا أْتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پانزده بار می خواند:

جَلَّ اللَّهُ جَلَّ مَالِكُنَا رَبِّ دَائِمٌ بَاقِيٌ لَا يَفْنَى

پانزده بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَكُ بار می خواند: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

المُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ صَادِقُ الوَعْدِ الْأَمِينُ  
رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبِّ  
عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره)

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللهُ بِرَحْمَتِكَ يَا  
ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پانزده بار می خواند لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ يَكُ بار می خواند: لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ  
المُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ صَادِقُ الوَعْدِ الْأَمِينُ -

رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ  
(آل عمران)

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ آمِينَ يَا اللهُ بِرَحْمَتِكَ يَا  
ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ

الله أَكْبَرُ: گفته شده همه برخیزند و دعا خوان قدری بلندتر بخواند:  
فَاذْكُرُوا اللهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا

قيام

پانزده بار بخواند: لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ يَكُ بار می خواند: لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ  
المُبِينُ نور پاک نور مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ صَادِقُ الوَعْدِ الْأَمِينُ - رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ  
إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ  
تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ - اللهُ  
أَكْبَرُ گفته و به رکوع می روند و سه بار می خوانند:

رکوع

سُبْحَانَ اللهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ اللهُ أَكْبَرُ گفته و بلند می شوند و

می گویند. إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ -  
الله اکبر گفته به سجده می رود و میگویند:

سجده

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ  
سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ الْهَيِّ سَجْدَهُ نَه كَنِم آفَتَاب وَ مَهْتَاب رَا  
سجده نه کنم خاک و باد آب و آتش را سجده نه کنم بت و بتخانه و قبر پیران  
مرده را سجده نه کنم جبات و طاغوت و جنات و شیاطین را - سجده کنم ترا یا  
الله که لایق و سزاوار پرستش سجده تو هستی و بس. سجده کنم ترا ای خدای  
یکتای ذات پاک که تو بی چون بی چگون و بی مثل و بی مانندی. سجده کنم  
ترا یا سبحان لاشریک که تو مالک خالق و عالم و عالمیان

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (آل عمران)

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ امِين يَا اللهُ  
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يك بار بخواند: - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - يَا اللهُ اَنْتَ  
رَبِّي وَ عَلِمَكَ حَسْبِي فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبِّي وَ نِعْمَ الْحَسْبُ حَسْبِي تَنْصُرُ مَنْ تَشَاءُ وَ اَنْتَ  
الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ دعا خوان قدری بلند بخواند: فَاسْتَمِعُوا يَا عِبَادَ اللهِ بِا صُورَتِ حَزِينٍ وَ  
نَزَمَ بِخَوَانِد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ  
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ  
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ  
الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا  
اللهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبُّ الْأَرْضِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ الْحَيُّ  
الْقَيُّومُ -

شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۸



۱۷۸

در اینجا تمام ذکرهای ساکت شده تا کسانی که مشغول ذکر هستند سر از  
سجده بردارند و دعا خوان این آیه سجده را می خواند.  
و اخلاص و دل و جان یا رَبُّ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ شُكْرُ الْحَمْدُ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ - اللَّهُ أَكْبَرُ ۳ بار لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و یک بار گفته و می نشیند و می گوید:

الْحَمْدُ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ - قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ - سُبْحَانَكَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا حَمَدْنَاكَ حَقَّ حَمْدِكَ - سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى رَحْمَةِ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ.

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نوحٌ نَجَّى اللهُ	لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ادم صَفَى اللهُ
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اِسْمَعِيلُ ذَبِيحُ اللهُ	لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللهُ
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَاوُدُ خَلِيفَةُ اللهُ	لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللهُ
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهُ	لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِيسَى رُوْحُ اللهُ
لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نور پاک نور - مُحَمَّدٌ مَهْدِيٌّ مُرَادُ اللهُ	

و بعد چنین می گوید: الهی ما را با کمال ایمان و عافیت برسان دعای ما را قبول کن یا رب حشر ما با رسول کن یا رب شفاعت نور محمدی و لقای خود ما را نصیب کن یا رب - بنام خدای مهربان بخشاننده و بخشنده عاصیان هستی، سجده کنم ترا یا قدر مطلق و توانا که تو جان آفرین و جان پرور و جان ستان موجودات مشهود و غیر مشهود هستی، سجده کنم ترا یا هادی صراط مستقیم که تو یک لک و بیست و چهار هزار انبیاء رُسل بلکه بیشتر یا کمتر برای پیشوائی بندگان آفریدی و تورات و زبور و انجیل و فرقان برای هدایت نوع انسان فرستادی. سجده کنم ترا یا احسن الخالقین که تو عرش و کرسی - لوح و قلم. زمین و آسمان و امروز و فردا و هشت بهشت برای نیکان و هفت دوزخ برای بدان آفریدی.

در سجده دوم چنین می گوید:

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْجُدُكَ يَا رَحْمَنُ فَاغْفِرْ لِي يَا رَحْمَنُ وَ ارْحَمْنِي يَا رَحْمَنُ وَ اَهْدِنِي يَا

رَحْمَنُ وَنَجِّنِي يَا رَحْمَنُ وَاعْتِنِي يَا رَحْمَنُ وَاحْفَظْنِي يَا رَحْمَنُ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَيَا هَادِيَ النَّاصِرِينَ وَيَا مُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ. و این را نیز در سجده می گوید.

الهی نگهدار مرا از گناهان صغیره و کبیر و از مال حرام و از دروغ و دزدی و از بد کاری و زنا کاری. نگهدار مرا یا الله از رنجانیدن خلق و از خون ناحق و در آخر می گوید: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْحَافِظِينَ (۳ بار) سُبْحَانَ اللَّهِ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيًّا كَبِيرًا

یا الله حالا سر از سجده بر می دارم ولی دل همیشه با تو است با پاکی و راستی کریم رحمن الرحیم - الهی ایمان ما را نگهدار الهی ایمان پدران و مادران ما را نگهدار الهی ایمان استادان و یاران ما را نگهدار. الهی ایمان جمیع مسلمانان را نگهدار از وسوسه نفس شیطان و از آفات زمان و از مهتر و غضب ظالمان و از سحر و جادو ساحران از مکر و حيله شیطان العین الرجی بحق محمد(ص) خاتم مرسلان و بدوستی حضرت مهدی صاحب زمان خلیفه رحمان تاویل قرآن - هادی امتان رهنمای مؤمنان واقف سر الله حامی دین الله آستان او جنت امت. ذکر او رحمت است - قائد امن و امان. یا حافظ جان و دین و ایمان بِلُطْفِكَ وَ كَرَمِكَ وَ بِجُودِكَ يَا جَوَادُ الْكَرِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَلِكَ إِيمَانًا مُسْتَقِيمًا وَ فَضْلًا دَائِمًا وَ نَظْرًا رَحِمَةً وَ عَقْلًا كَامِلًا وَ عِلْمًا نَافِعًا وَ قَلْبًا مُنَوَّرًا وَ تَوْفِيقًا أَحْسَنًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ أَجْرًا عَظِيمًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ بَدَنًا صَابِرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ سَعًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ دُعَاءً مُسْتَجَابًا وَ لِقَاءَكَ نَصِيبًا وَ جَنَّةً فَرْدوسًا وَ نَعِيمًا مُقِيمًا - اللَّهُمَّ اجْرِنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ يَا مُجِيرُ - يَا خَفِي اللَّطْفِ أَنْطَفُ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَيَّ آلِ إِبْرَاهِيمَ أَنْكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ - اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيَّ



مُحَمَّدٌ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ -  
اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ حِينَمَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَأَدْخَلْنَا دَارَ  
السَّلَامِ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

### سلام

بعد از پایان دعا هر کس به فرد سمت راستش سلام می‌کند تا آخرین نفر.<sup>۱</sup>

### ✓ ذکر ده تسبیحی:

این ذکر در اوقات تهجد خوانده می‌شود ده قیام، ده رکوع و ده سجده دارد. و لا اله الا الله که در ذکرهای دیگر ۱۵ بار گفته می‌شود در این ذکر صد بار تکرار می‌گردد.

### ۳- روزه:

از دیدگاه ذکری ها روزه ماه رمضان نسخ شده، لکن بجای آن روزه دهه اول ماه ذی الحجه واجب شمرده می‌شود. علاوه بر آن روزه گرفتن روزهای دوشنبه و ایام البیض سال که جمعا ۸۸ روز می‌شود نیز مستحب می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه روزه ذکری ها ۲۴ ساعتی می‌باشد چرا که به سحری عقیده ندارند و از افطار تا افطار بعد است.

### ۴- زکات:

بنظر ذکری ها زکات محدود به نه چیز نیست، آنچنان که در دیگر مذاهب اسلامی است بلکه همه گونه درآمد را شامل می‌شود و برای اموال نیز نصاب خاصی وجود ندارد بلکه کم و زیاد را در بر می‌گیرد.

علاوه بر این مقدار زکات یک دهم نیست، بلکه یک هفتم یا یک پنجم است. در کتاب «قصص الغیبی» چنین آمده است:

«از ده یکی بر امت محمد مصطفی ثابت است که مکان شریعت است. دین رسول است و کسی که بر مکان شریعت دین نور مهدی پاک علیه السلام کار

<sup>۱</sup> ذکر وحدت، سید عیسی نوری، ص ۳۲-۱۵

کند او بر فرموده حضرت مهدی علیه السلام از مال تمام خود، هفتم حصه را بدهد بر استاد کاملان و استاد فاضلان. و اگر کسی بر راه مکان طریقت مهدی علیه السلام کار کند او از مال خود پنج یکی بدهد.»  
یعنی واجب یک هفتم است ولی اگر کسی بخواهد به درجات عالییه برسد و نهایت خلوص خویش را نشان دهد یک پنجم بدهد.

#### ۵- حج:

به گفته مخالفین، ذکری ها حج را به عنوان یک عبادت پذیرفته‌اند لکن نه حج بیت الله الحرام را که مسلمانان بدان اعتقاد دارند و هر ساله در ایام ذی‌الحجه برای انجام آن به مکه می‌روند. اینها همه اعمالی را که فرق اسلامی در مکه انجام می‌دهند در مرکزی نزدیک شهر تربت بلوچستان گرد آورده‌اند، از طواف تا سعی و ... و زمان آن نهم و دهم ذی‌الحجه است. البته زمان حج عمره آنها ۲۷ رمضان المبارک می‌باشد که هر ساله تعداد زیادی از ذکریها، از نقاط مختلف در «کوه مراد» گرد هم جمع می‌شوند. ذکری ها این اتهام را همچون اتهامات دیگر قبول ندارند عبدالغنی بلوچ می‌گوید: ذکری ها حج بیت الله الحرام را قبول دارند و آنچه را مخالفین به آنان نسبت می‌دهند که ذکری ها حج جداگانه‌ای دارند تهمت نارواست. ذکری ها بدلیل اقامت امام مهدی (ع) در کوه مراد آنجا را مقدس شمرده و سالی دوبار به زیارت آن می‌روند، اما نه به عنوان حج.<sup>۱</sup>  
به هر حال روش بجا آوردن حج و مقامات مقدسه آن از زبان مخالفین به شرح ذیل است:

#### الف) روش به جا آوردن حج:

قبل از هر چیز در کوه ها به صف می‌شوند و با جلوداری رهبران خود طواف شروع می‌شود سه دور طواف می‌کنند که شروع آن با این الفاظ است: «صدق بندان ارد گردان پیر را» یعنی این پیر بزرگ را که در این کوه می‌باشد با خلوص دل طواف می‌کنم در حالی که زن و مرد باهم طواف می‌کنند کلمه «لا اله الا الله» را مرتب می‌گویند بدین صورت که گروهی گوش می‌کنند و گروهی ذکر

<sup>۱</sup> مذهب ذکری در آینه اسلام، عبدالغنی بلوچ، ص ۲۵-۲۴

می‌گویند و به نوبت تکرار می‌شود. سپس همه باهم سجده می‌کنند این سجده ۱۵ دقیقه طول می‌کشد وقتی سر از سجده برداشتند همه می‌نشینند یادآوری می‌شود که در سجده جهت خاصی شرط نیست.

سلام آنها بدینگونه است: اول شخصی به این الفاظ سلام می‌گوید:  
«السلام علیکم» سپس کسی که طرف راست او نشسته جواب می‌دهد:  
علیکم السلام و بهمین صورت تا آخرین نفر انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

### ب) مقامات مقدسه حج ذکری ها:

کوه مراد: در یک مایلی جنوب تربت و در مسیر جاده پسنی و گوادر قرار دارد بر اساس عقاید ذکری ها مهدی در این مکان قیام کرده و لذا مرکز تجلیات و انوار مهدی است. قائم مقام کعبه بیت الله پنداشته می‌شود. مقام محمود است.<sup>۲</sup> در زمانهای قدیم دهم ذی‌الحجه در «گل دن» (عرفات) برگزار می‌شد و جایی نیز (منی) تصور می‌گردید و قربانی‌های زیادی می‌شد و تا استقلال پاکستان، وضع بهمین منوال بود. پس از استقلال پاکستان ۲۷ رمضان المبارک و کوه مراد مشهور شد. که شاید بخاطر فرار از برخورد مسلمانان با آنان بود.<sup>۳</sup>

✓ شجر طوبی:

در شمال کوه مراد درختی است که در بلوچی آنرا «جگر» می‌گویند که شبیه درخت تمر هندی، و قد آن معمولاً کوتاه است.

میوه‌ای سفید رنگ و شیرین دارد و به آن شجر طوبی می‌گویند. روشن است که از درختان خودرو بقدر کافی در منطقه وجود دارد و در اکثر کوهها می‌روید.<sup>۴</sup>

✓ آب متبرک:

در جنوب غربی کوه مراد چاله‌ای پر از آب است که به آن «ظرف آب» می‌گویند. این آب را متبرک می‌پندارند و می‌نوشند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیابادی، ص ۲۰

<sup>۲</sup> ماهنامه بینات کراچی، مدیر مسئول: مولانا مفتی احکدالرحمن، ص ۲۳.

<sup>۳</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیابادی، ص ۱۹-۱۸

<sup>۴</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیابادی، ص ۲۱

<sup>۵</sup> همان منبع، ص ۲۲

✓ پل صراط:

بر روی صخره‌ای یک مرز وجود دارد مشهور است که اگر کسی از صخره بگذرد و به مرز برسد از پل صراط عبور می‌کند.<sup>۱</sup>

✓ گل دن (عرفات):

در جنوب تربت میدانی است که در زمان قدیم، نهم ذی‌الحجه در آنجا برگزار می‌گردید. این میدان جایگزین عرفات است. در آن یک مجلس ذکر (بدون شرط وقت) منعقد می‌گردد.<sup>۲</sup>

✓ حرم:

اطراف کوه مراد را حرم می‌پندارند و لذا کفش خویش را بیرون آورده و وارد آن محیط می‌شوند و غیر آن را بی‌ادبی می‌دانند.<sup>۳</sup>

✓ مسجد طوبی:

این روزها در جوار حرم یک ذکرخانه است که به آن مسجد طوبی می‌گویند.<sup>۴</sup>

✓ مقام محمود:

کوه مراد را مقام محمود می‌گویند در کتابهایشان آمده که هنگام طواف این دعا خوانده می‌شود:

«بسم الله نور محمدی، بسم الله حق جهانی، قطب ربانی، السلام نور اولین و آخرین، السلام محبوب سبحانی، کوه مبارک حقانی، آستانه حکم آسانی گردان، یا قطب ربانی از طفول مهدی علیه السلام هادی امثال رحمانی و انس و جان آمین برحمتک یا ارحم الراحمین».<sup>۵</sup>

✓ مهر:

در غرب کوه مراد یک گودالی وجود دارد که به آن «مهر» می‌گویند. در همین قسمت یک سنگ بزرگ وجود دارد که بر آن نگاشته شده «لا اله الا الله

<sup>۱</sup> ذکری مذهب اور اسلام، مولوی عبدالمجید، ص ۹۰

<sup>۲</sup> همان منبع، ص ۹۰

<sup>۳</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیاآبادی، ص ۲۰

<sup>۴</sup> همان منبع، ص ۲۰

<sup>۵</sup> ذکری مذهب اور اسلام، مولوی عبدالمجید، ص ۸۹

نور پاک محمد مہدی رسول اللہ» و آنرا طواف می نمایند و در ایام حج آنرا سجدہ می کنند.<sup>۱</sup>

✓ کوه امام (غار حرا):

در غرب کوه مراد کوهی است کہ درون چہار دیواری قرار دارد. در آن غاری است کہ بہ گمان ذکر یہا، مہدی از آنجا ظاہر شدہ است و آنرا مانند غار «حرا» می دانند. در ایام حج مجلس ذکری در آن برگزار می کنند و در حالیکہ بہ کوه مراد می نگرند و این دعا را می خوانند:

السلام علیکم مکام نور      ہادی و مہدی ما را بزور  
ما را از خود مکن دور      آشکا نا چاف و سور

برحمتک یا ارحم الراحمین

ہمچنین ذکری ہا در این مقام بہ بزرگان خویش نیز سلام می کنند مانند:

السلام علیکم حاجی گازی (غازی) و بی بی خمیسہ  
السلام علیکم شیخ کاسم (قاسم) و بی روز خاتون، السلام علیکم شیخ عبد الکریم  
و بی بی خاتون.<sup>۲</sup>

✓ شیرین دوکرم:

این رودخانہ کوچکی است کہ در شمال و جنوب شرقی تربت بہ «گیچ کور» می رسد و در نظر ذکر یہا اہمیت ویژہ ای دارد. در مجالس ذکر و چوگان کہ در شبہا برگزار و در آن سرود می خوانند نام شیرین دوکرم نیز می آید.<sup>۳</sup>

✓ آب زمزم:

در تربت کاریزی وجود داشت کہ از غرب بہ شرق، در ناحیہ بازار جاری بود و بہ آن «ازئی» یا «بزئی» می گفتند. نام اصلی آن خسروی بودہ و از رودخانہ «دوکرم» سرچشمہ می گرفت دلیل نام گذاری آن بہ «زمزم» قصہهایی است کہ در بین ذکر یہا معروف می باشد. از جملہ اینکہ این کاریز بہ «لاہوت لامکان»

<sup>۱</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیا آبادی، ص ۲۱

<sup>۲</sup> همان منبع، ص ۲۲-۲۳

<sup>۳</sup> ذکری مذهب اور اسلام، مولوی عبدالمجید، ص ۹۰

متصل بوده و تا قبل از صوراسرافیل، خشک نخواهد شد. که متأسفانه خشک گردید. از یک ذکری سؤال شد که چگونه این کاریز علی‌رغم اتصالش به «لاهورت لامکان» خشک شد؟ در پاسخ گفت: بخاطر گناه بی‌حد مسلمانان.<sup>۱</sup>

✓ ملایی کوه:

در حدود ۸۰۰ پایی شمال کوه مراد، کوه دیگری وجود دارد که به آن «ملایی کوه» می‌گویند و از آن بعنوان یکی از منازل «سعی» استفاده می‌شود. همچنین گفته می‌شود که هرگاه بین این دو کوه از آب پر شود قیامت خواهد آمد.<sup>۲</sup>

### ۶- چوگان:

از دیگر عبادات ذکری‌ها «چوگان» است که در ایام حج واجب و عمره و یا شب‌های مقدس محفلی ترتیب داده می‌شود ذکری‌ها دایره‌وار می‌نشینند، زنان خوش الحان یکی پس از دیگری اشعار و غزلیاتی در وصف حضرت مهدی (محمد مهدی اتکی) می‌خوانند. این محفل ساعت‌ها ادامه می‌یابد. هم‌زمان با خواندن غزلیات توسط زنان، افرادی از مردان نیز با رقص، پاسخ غزلیات را می‌دهند و مصراع‌هایی از آنرا تکرار می‌کنند. این همان «سماع» صوفیان است که بدین گونه تبدیل شده است.

اشعار و غزلیاتی که توسط خوانندگان خوانده می‌شود، بلوچی و فارسی می‌باشد. ذکری‌ها «چوگان» را به محافل «سماع» تشبیه کرده و آنرا به خاطر شب‌زنده‌داری و ذکر دست‌جمعی و توجه بیشتر به حضرت مهدی (ملا محمد اتکی) معرفی نموده‌اند.<sup>۳</sup>

### منابع مکتوب فرقه ذکریه:

همانطور که قبلاً عرض شد در بین «ذکریه» کتب قابل ملاحظه‌ای به جز

<sup>۱</sup> ذکری دین کی حقیقت، مولانا احتشام الحق آسیاآبادی، ص ۲۳

<sup>۲</sup> همان منبع، ص ۲۴

<sup>۳</sup> همان منبع، ص ۲۸

ذکری مذهب اسلام کی آینه مین، عبدالغنی بلوچ، ص ۲۸-۲۷

چند نسخه خطی و چند جزوه که به شرح ذیل تقدیم می‌گردد:

### الف) نسخ خطی:

- ۱- مهدی نامه از شی محمد قصر قندی
  - ۲- موسی نامه از شی محمد قصر قندی
- دو نسخه فوق اواخر قرن یازدهم هجری نوشته شد که پس از اسلام آوردن ملا عبدالعزیز آنها را به خان کلات اهداء نمود.
- ۳- معراج نامه توسط ملاکمالان
  - ۴- نور نامه توسط ملاکمالان
  - ۵- اعتقاد نامه توسط ملاکمالان
  - ۶- سیر جهانی توسط ملا محمد اعظم
  - ۷- القصص الغیبی توسط ملا محمد اعظم
  - ۸- فرمودات مهدی توسط ملا محمد اعظم
- ملاکمالان و ملا محمد اعظم اخیرا مسلمان شده‌اند.<sup>۱</sup>

### ب) کتاب های چاپی:

- ۱- حقیقت نور پاک یا سفرنامه مهدی: این کتاب توسط عزیز لاری از نزدیکان ملا محمد اتکی در ۱۰۲۹ هجری قمری به فارسی نگاشته شده، بیست و دو سال قبل ملا مزار عومرانی قسمتی از آنرا به اردو ترجمه کرده و بنام «حقیقت نور پاک» منتشر نمود.
- ۲- «من ذکری هستم» نوشته ملا فقیر محمد (اردو)
- ۳- «ذکری کیست؟» نوشته عبدالعزیز بلوچ (اردو)
- ۴- «ذکر وحدت» نوشته پیر بخش شهادت زئی (اردو)
- ۵- «نهضت ذکریه در پرتو تاریخ» نوشته ملا عیسی نوری (اردو)
- ۶- «تفسیر ذکر الله» نوشته ملا مزار عومرانی (اردو)
- ۷- «ذکر توحید» نوشته محمد ایوب شی زاده (اردو)
- ۸- «ثنای مهدی» نوشته محمد ایوب شی زاده (اردو)
- ۹- «در وجود» نوشته شیخ محمد درافشان قصر قندی (فارسی منظوم)

<sup>۱</sup> ذکری مسئله، عبدالحق بلوچ، ص ۱۱۰-۱۰۸

۱۰- مذهب ذکریه در آینه اسلام نوشته عبدالغنی بلوچ (اردو)  
کتب فوق را فقط می‌توان در صورت امکان از طریق خود ذکری‌ها تهیه نمود و  
در بازار موجود نیست.<sup>۱</sup>

### منابع

- ۱- عبدالغنی بلوچ، مذهب ذکری در آینه اسلام، چاپ دوم، کراچی پاکستان، شیخ محمد یوسف شهاب
- ۲- ترجمه سید عیسی نوری، ذکر وحدت، چاپ اول، کراچی پاکستان، انجمن مسلمانان ذکری، ۱۹۹۰ میلادی
- ۳- ملا فقیر محمد، من ذکری هستم، کراچی پاکستان، چاپ اول، انجمن مسلمانان ذکری، ۱۹۹۰ میلادی
- ۴- عبدالرحیم بلوچ، ذکری کیست؟، کراچی پاکستان، چاپ دوم، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۹۱ میلادی
- ۵- مولوی عبدالحق بلوچ، ذکری مسئله، چاپ اول، چاپخانه دارالعروه لاهور، ۱۹۹۲ میلادی
- ۶- مولوی عبدالمجید، مذهب ذکری و اسلام، بلوچستان پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۹۱ میلادی
- ۷- مفتی احتشام الحق، عقاید و اعمال ذکریه، بلوچستان پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۸۹ میلادی
- ۸- مفتی احتشام الحق، حقیقت دین ذکری، بلوچستان پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۸۹ میلادی
- ۹- محمد سلیم بلوچ، ذکری از اسلام خارج است، بلوچستان پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۹۰ میلادی
- ۱۰- محمد سلیم بلوچ، عقاید ذکری در دادگاه شما، بلوچستان پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۹۰ میلادی
- ۱۱- مفتی احمد الرحمن، بینات، کراچی پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۹۰ میلادی
- ۱۲- شیء رگام، ذکری مسلمان است، بلوچستان پاکستان، انجمن مسلمانان ذکری، ۱۹۹۰ میلادی
- ۱۳- مقالات و گفتگوهای حضوری با ذکری‌ها و مخالفین آن‌ها.

<sup>۱</sup> همان منبع، ص ۱۱۱-۱۱۰